

زخم باز در قلب تنش‌های افغانستان با پاکستان تکیه بر اخلاق، منع کاربرد قوه نظامی، تأکید بر صلح حال و هوای خوشبینی‌های ناخوش‌آیند

تأثیرات جابجایی‌های داخلی، مرزی و فرامرزی
آیا لفاظی‌ها رهنمای عمل خواهد شد یا نه؟
پنهان شدن از واقعیت‌های موجود در کشور
ضرورت گفتگوهای عمل‌گرایانه

بین دو مفهوم "همسایه" و "همسایگی" باید تفاوت قایل گردید. مفهوم همسایگی یا همجواری بودن در روابط بین الملل نیز یکبار می‌رود و بدو کشوری که در کنار هم قرار داشته و دارای مرز مشترک باشند، همجواریا همسایه اطلاق می‌گردد. سیاست خارجی از همسایه آغاز می‌گردد، همسایه در مجموع واقعیت سیاست خارجی کشورها در نوع خود بمثابة متغیر مهمی بشمار می‌آید. با این وجود، همجواری بودن بخودی خود امتیاز تلقی نمی‌گردد، چراکه بین کشورهای همجوار، مشکلاتی نیز رخ می‌نماید که ناشی از مرز مشترک می‌باشد. همانطور که مشاهده می‌گردد، مرزها بمثابة نماد حاکمیت و تمامیت ارضی کشورها از اهمیت زیادی برخوردارند. هنگامی که میان دو کشور همجواری باره مرز اختلاف باشد، بویژه چنانچه این اختلاف به مسایل اقتصادی، قومی و زیست محیطی گره بخورد، دشواری‌های همجواری آشکار می‌گردند. بی‌دلیل نیست که بیشتر جنگ‌ها میان کشورهای همجوار بوقوع می‌پیوندد. بمنظور عبور از این وضعیت، ضرورت توجه بمفهوم "همسایگی" مطرح می‌گردد. همسایگی فضیلتی است که امکان بهره‌برداری از فرصت‌های همسایه بودن را فراهم می‌نماید. "همسایگی" بمثابة پایان جغرافیا و آغاز فرهنگ و تعامل می‌باشد. دو کشور همجوار، با هم همسایه می‌باشند، اما الزامی باهم همسایگی ندارند. فقدان فضیلت همسایگی میان کشورهای همجوار، دلیل شکل‌گیری بین آنها نیز محسوب می‌گردد. بود و نبود "همسایگی" مبین شکل‌گیری همسایه خوب و بد است.

بگواهی تاریخ، از سال ۱۳۲۸ خورشیدی بدینسوشاهد درگیری‌های مسلحانه‌ای، بویژه در امتداد "خط دیورند" میان قوت‌های مسلح افغانستان و نظامیان پاکستانی بوده‌ایم. آخرین دور خصومت‌های یادشده از سال ۱۳۸۶ خورشیدی شعله‌ور گردید. بر بنیاد ادعاهای حاکمان پاکستانی، "تحریک طالب‌های پاکستان" و "جماعت‌الاهرار" در اراضی متعلق به افغانستان مخفی شده و از آنجا کارکنان امنیتی پاکستان مستقر در امتداد "خط دیورند" را مورد حملات مسلحانه قرار می‌دهند. درباره‌ی پس‌منظر مناسبات و روابط میان دو کشور بایست یاددهانی بعمل آید کاتش خصومت‌ها و ضد و نقیض‌گویی‌ها و درگیری‌های انتقام‌جویانه نظامیان پاکستانی، بویژه از زمانی آغاز گردید که افغانستان تنها کشوری بود که به پذیرش پاکستان در سازمان ملل رأی منفی داد. ملاحظه می‌نمایید که قبل از تشکیل و ایجاد نامیمون پاکستان، افغانستان از اصل استقلال و خودارادیت پبنتون‌ها و بلوچ‌ها در آنسوی "خط دیورند" دفاع نموده و بنمایندگی از شهروندان کشور، از مبارزات برحق استقلال‌طلبی آنها پشتیبانی و حمایت بعمل آورده است. با وجود آنکه تعریف حاکمیت‌های سیاسی کشور ما در مورد حدود و ثغور پبنتونستان در امتداد زمان نامشخص بوده و همیشه در نوسان قرار داشت، در وضعیت اینچنینی، ایالات بلوچستان بگونه مکرر در تعریف پبنتونستان بزرگ گنجانیده شده است تا در صورت شکست، پاکستان بمثابة یک دولت، بدریای عرب دستیابی حاصل نموده و برین بنیاد، کشور عزیز ما افغانستان، در امر مبارزه پاکستان باهند، بمثابة "عمق استراتژییک" قلمداد می‌گردد تا در وضعیت و حال شکست از هند، پاکستان محل مناسبی بمنظور عقب‌نشینی نظامیان کشورش دست و پا نموده باشد. قابل یاددهانی پنداشته

می شود که "خط دیورند" بمنظور تعیین و بازتعریف مجدد حوزه های نفوذ قدرت ها عرض اندام نمود. پاکستان پس از استقلال آنکشور، در امتداد سال ۱۹۴۷ ترسایی برابر با سال ۱۳۲۶ خورشیدی، قرارداد یادشده را بمثابة میراث تاریخی خویش محسوب نموده و اما حکومت های افغانستان، یکی پس از دیگری چه در آغاز و چه در امتداد زمانی پس از ایجاد "خط" نامنهاد یادشده، از اصل پذیرش آن بمثابة مرز رسمی میان افغانستان و پاکستان ابا ورزیده اند. حاکمیت های سیاسی کشور، بارها بمنظور تصرف ایالت های غربی بلوچستان و خیبرپختونخواه تلاش نموده اند. افغانستان بر بنیاد حقوق بین الدول عمومی، چنین اقامه دعوا نمود که اگر پختونستان مستقل پایه گذاری نمی گردد، بگونه حداقل، ایالت های مرزی به افغانستان ملحق گردد، اما با الحاق اینچینی، پاکستان بمثابة کشور همجوار افغانستان، در صدد استفاده ابزاری می باشد. چه، کشور عزیزما افغانستان بمنظور ادامه و رونق مناسبات تجاری، نیاز مبرمی به دستیابی به آب های بین المللی و بنادر تجاری دارد. اما جهان و جهانیان و بویژه شهروندان کشور عزیزما، شاهد بمباران قریه ای از کشور عزیزما در مناطق نزدیک به "خط دیورند" توسط جنگنده های نظامی پاکستان بودند. از آغاز سال ۱۳۲۸ خورشیدی، نظامیان پاکستانی در صدد آن شدند تا تحرکات استقلال طلبانه پختون ها را در نطفه خاموش نمایند. درگیری های مرزی برای نخستین مراتبه در امتداد سال های ۱۳۲۸ و ۱۳۲۹ خورشیدی گزارش شد.

بتاریخ ۸ ماه میزان سال ۱۳۲۹ خورشیدی، زمامداران پاکستانی مدعی شدند که قوت های مسلح افغان و افراد موجود در دوطرف "خط دیورند"، بویژه در ایالت بلوچستان پاکستان بمشاهده رسیده اند که در نوع خود، بمثابة تهاجم افغانستان بسرزمین متعلق به پاکستان تلقی گردید، اما وضعیت پیش آمده، پس از چند روز درگیری مسلحانه، بگونه ای رفع گردید. دولت افغانستان، هر نوع دخالت در مسایل گفته آمده را تکذیب نموده و مدعی گردید که مهاجمان مورد نظر، از جمع قبایل پختون طرفدار و هواخواه پختونستان می باشند. در اوضاع و احوال اینچینی، مناسبات دو کشور مجدداً به تنش گراییده و در نتیجه، در امتداد سال ۱۳۳۴ خورشیدی، افغانستان و پاکستان سفر ا و کارمندان دیپلوماتیک شان را بکشورهای مبدأ فرخواندند. در امتداد سال ۱۳۳۹ خورشیدی، درگیری هایی میان طرف ها آغاز گردیده و مناطقی از اراضی کشور عزیزما توسط قوت های هوایی نظامیان پاکستانی بمباران گردید، پس از وقفه کوتاهی، جانب افغانی رسماً روابط و مناسبات دیپلوماتیک با پاکستان را قطع نمود. مجلس عوام بریتانیا اظهار نمود که دولت متبوعش با تأسف، چگونگی اختلافات افغانستان و پاکستان را در مورد وضعیت مناطق شمال غربی، تعقیب می نماید. در امتداد زمانی از سال ۱۳۸۶ خورشیدی بدینسو، درگیری های مسلحانه ای در امتداد "خط دیورند" بین قوت های مسلح کشور و نظامیان پاکستانی بوقوع پیوست که در نتیجه آن، تعدادی از سربازان و افسران هر دو جانب درگیری ها بخاک و خون کشانیده شده و عده ای هم جراحت برداشتند. مدتی پس از آن، جانب افغانی، پاکستان را در امر کشتن و مجروح نمودن شهروندان ملکی کشور مقصر پنداشت. مدتی پس از آن، بر بنیاد ادعاهای مقامات کشور، در نتیجه گلوله باران نظامیان پاکستانی، بتعداد ۴۲ تن از شهروندان ملکی افغان بشهادت رسیده و بتعداد ۴۸ تن آنها نیز زخم برداشتند. همچنان در امتداد حوادث یادشده، مقامات پاکستانی مدعی گردیدند که در نتیجه بیش از ۲۰ شلیک توپخانه قوت های مسلح افغانستان، بتعداد ۴ تن از نظامیان پاکستانی کشته و ۲ تن هم شدید زخم برداشتند. در عین زمان، نظامیان پاکستانی یاددهانی بعمل آوردند که در جریان تیراندازی شبه نظامیان افغان، بتعداد ۳ تن از کارکنان امنیتی پاکستان کشته و بتعداد ۷ تن هم مجروح گردیدند. در مقابل، مقامات افغان نیز ادعا نمودند که در امتداد چهار روز از جانب نظامیان پاکستانی، بیش از ۳۴۰ راکت علیه نظامیان افغان و بسوی کشور ما پرتاب و شلیک گردیده است. زنجیره و سلسله چنین گلوله باری ها و راکت پراگنی ها، همچنان تداوم داشته و تاکنون هم شاهد حملات راکتی و توپخانه بی نظامیان پاکستانی در امتداد "خط دیورند" و حتا انجام حملات هوایی قوت های نظامی پاکستان به شهرها و دهات کشور گویا بمنظور هدف قرار دادن افراد و گروه های مربوط به "تحریک طالب های پاکستان" و مخالفان مسلح پاکستان که در اراضی متعلق به افغانستان پناه داده شده اند، عنوان گردید. شهروندان ولایت های خوست و پکتیکا شاهد بودند که در امتداد سال پار، نظامیان پاکستانی با انجام حملات هوایی گسترده و وسیعی تحت عنوان مبارزه با سنیزه جویان "تحریک طالب های پاکستان"، سبب کشته و زخمی شدن شهروندان ملکی شامل بانوان و اطفال کشور عزیزما گردیدند.

با وجود اینهمه، حصارکشی هایی با سیم خاردار در امتداد ۲۶۴۰ کیلومتر "خط دیورند" توسط حاکمان پاکستانی آغاز گردیده و بر بنیاد گزارش های بنشر رسیده، کار آن درین اواخریه پایان رسیده است. "خط دیورند" از مناطق دشوار گذار کوهستانی می گذرد که تا حدود زیادی، غیر قابل نظارت و غیر قابل کنترل می باشد. حاکمیت های سیاسی در کشور

ما در قبال تلاش های پاکستان بمنظور ایجاد هر نوع حصاری در امتداد "خط دیورند" مخالفت و عدم رضایت شان را ابراز نموده و در مورد موضعگیری های شان در اینباره پافشاری نمودند، بر بنیاد گزارش های بنشر رسیده توسط نظامیان پاکستانی، اما حصارکشی ها در امتداد "خط" یادشده با سیم خاردار دربرگیرنده دو حصار یافته شده فلزی بار تفاع دومتری که بگونه مارپیچ سیم های خاردار از هم جدا می گردند، از جانب کشور پاکستان بانجام رسید. ارتفاع حصار یادشده در سمت پاکستان ۳,۶ متر و در سمت کشور ما ۴ متری باشد. علاوه برین، در امتداد خط یادشده دوربین هایی نصب گردیده و در حدود یک هزار مرکز بازرسی، بخشی از سیستم امنیتی در امتداد سیم خاردار را تشکیل می دهند. عبور و مرور از خط یادشده تنها از طریق ۱۶ مرکز بازرسی امکان پذیر می باشد. قابل تذکر پنداشته می شود که خط مورد نظر "دیورند" در امتداد سال ۱۲۷۱ خورشیدی برابر با سال ۱۸۹۳ ترسایبی مطرح بحث قرار گرفته و شهروندان کشور را بدو بخش تقسیم نمود.

اما در مورد پیشنهاد های بمنظور یک پښتونستان مستقل باید متذکر گردید که در سال ۱۳۲۵ خورشیدی برابر با سال ۱۹۴۷ ترسایبی، زمانی که بریتانیا در شرف خروج از کشور هند بود، دولت افغانستان پیشنهاد نمود که به شهروندان بخش های مرز شمال غربی که قبلن توسط دولت افغانستان اداره می گردید، حق تعیین سرنوشت داده شده تا بگونه آزادانه در مورد پیوستن به افغانستان یا به پاکستان و یا هم درباره تشکیل و پایه گذاری یک کشور مستقل و آزاد تصمیم اتخاذ نمایند.

طرف افغانی متذکر گردیده و یاددهانی بعمل آوردند که مرزهای شرقی افغانستان که در سال ۱۲۷۱ خورشیدی برابر با سال ۱۸۹۳ ترسایبی ترسیم گردید، هرگز بمثابة مرز رسمی دولتی مورد پذیرش دولت ها و شهروندان کشور ما قرار نگرفت. بدلیل مخالفت ها و ضدونقیض گویی های برخی ها بنماینده گی از افشار، گروه ها و طوایف، درگیری هایی در امتداد خط یادشده بوقوع پیوست که در نتیجه، اوضاع بگونه تقریبی به جنگ و آغاز درگیری های مسلحانه میان دو کشور منتهی گردید. در سال یادشده، دولت افغانستان پیشنهاد تشکیل و پایه گذاری کشور مستقل پښتونستان را ارائه نمود که در واقعیت امر، بخش های قابل توجهی از سرزمین و اراضی پاکستان غربی آنزمان را شامل می گردید. اما با وجود اینهمه، معضل یادشده همچنان لاینحل باقی مانده و موانع بیشماری در مسیر عادی شدن اوضاع منطقه ایجاد نموده که از مدرک یادشده هم شهروندان کشور ما و هم باشنده های اقوام و قبایل دو طرف "خط" یادشده، زیان های بیشماری را متقبل گردیدند.

همچنان وسایل نقلیه حامل مواد خوراکی و مواد سوختی در هر دو طرف "خط" متوقف گردیده که در نتیجه مانع داد و ستد شده و در مناسبات و مراودات تجاری میان کشور ما و پاکستان موانعی خلق گردیده، در مورد دسترسی افغانستان محصور در خشکه باب های بین المللی موانعی ایجاد گردیده و از رونق تجارت کشور عزیز ما و وسعت مناسبات آن با سایر کشورهای جهان جلوگیری بعمل می آید.

قابل یاددهانی پنداشته می شود که بمنظور دستیابی براه حل منطقی و حل و فصل عادلانه معضلات موجود و مرهم گذاشتن به جراحات وارد شده ازین ناحیه، بعضی محکوم شمردن این ویان طرف، با استفاده از مذاکره و گفتگوهای سازنده ای باید بر زخم های ناشی از واقعیت وجودی "دیورند"، مرهم گذاشته و صلح و سلم و آرامش همیشگی بر فضای مملو از تشنج و درگیری منطقه ما مستولی گردد، اما از زمانی که بریتانیا منطقه را ترک نمود و اصل "خط دیورند" مطرح بحث قرار گرفته و پاکستان بمثابة میراث خوار استعمار کهن بمنظور وسعت قلمروش و بمنظور بلعیدن بخش بیشتری از اراضی و سرزمین های دیگران باز نموده و بگونه بیشرمانه ای سرزمین و اراضی متعلق به کشورهای دیگر را ضمیمه اراضی خویش نموده که در اینمورد می توان نمونه های بیشماری را متذکر گردید. تاریخ شاهد می باشد که تلاش های مذبحخانه حاکمان پاکستانی و بویژه نظامیان آن کشور، در قبال کشور عزیز ما نقش بر آب گردیده و در نهایت هرتوطنه و دسیسه ای تیرشان بسنگ خورده و نتایج مورد نظرشان اصلن از قوه بفعل میدل نگردیده و سیر حوادث بگونه ای تکوین پذیرفته که جز شرمساری و سرافکندگی، نتیجه و فرجام دیگری برای متصدیان امور بارمغان نیآورد. هر آزمایش و تجربه ای را که رویدست گرفته و بکار بستند، ناکارآمد از آب بدرآمده، آنهمه سبب ساز افشای نیات شوم آنها گردیده و اما آنها از اینهمه حوادث تکوین پذیرفته درس نگرفته و جالبتر از همه اینکه در مورد ناکارآمدی طرح ها و برنامه های مرتبه خویش لب از لب هم نگشودند.

یکشنبه ۱۶ ماه جدی سال ۱۴۰۳ خورشیدی برابر با ۵ ماه جنوری سال ۲۰۲۵ ترسایبی